

خاطره باز ۱

عفت واسعی زاده مقدم بوقایی

سرشناسه: واسعی زاده مقدم نوقابی، عفت، ۱۳۵۴-

عنوان و نام پدیدآور: خاطره باز ۱ / عفت واسعی زاده مقدم نوقابی.

مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۷-۷۲۳-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: داستانهای کوتاه فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Short stories, Persian -- 20th century

ردی کنگره: ۱۳۹۶ خ ۵الف/۳۶۳ PIR

ردی دیوبی: ۸۴۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۶۰۴۸۷



انتشارات سخن گستر

مشهد- خیابان ابن سینا- مقابل ابن سینا ۱۱ - سما، ۱۹۱

تلفن: ۳۸۴۳۹۹۵۵ (۰۵۱)

Sokhangostar.com

نام کتاب: خاطره باز ۱

تألیف: عفت واسعی زاده مقدم نوقابی

صفحه آرای: علی واسعی

طرح جلد: امین بحرانی پور، علی واسعی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۶

چاپ: خامی

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۷-۷۲۳-۱

فهرست

۷	مقدمه.....
۱۱	داستان اول: جارو برقی.....
۱۳	داستان دوم: تخم مرغ.....
۱۵	داستان سوم: صابون.....
۱۷	داستان چهارم: خرگوش.....
۱۹	داستان پنجم: دوچرخه.....
۲۱	داستان ششم: بیماری.....

- داستان هفتم: سوغاتی ۲۳
- داستان هشتم: شکل مساله ریاضی ۲۵
- داستان نهم: آرزوی بد ۲۷
- داستان دهم: دیکته ۲۹
- داستان یازدهم: نقاشی ۳۱
- داستان دوازدهم: دعای سال تحویل ۳۳
- داستان سیزدهم: جمع مدادها ۳۵
- داستان چهاردهم: خازن ۳۷
- داستان پانزدهم: خانه بدید ۳۹
- داستان شانزدهم: تقسیم شکلات ها ۴۱
- داستان هفدهم: جاری ۴۳
- داستان هجدهم: داروغه را چه کسی کشت؟ ۴۵
- داستان نوزدهم: تهدید ۴۷
- داستان بیستم: طعنه ۴۹
- داستان بیست و یکم: خانه موش ۵۱

- داستان بیست و دوم: پیتزا ۵۳
- داستان بیست و سوم: نوبت ۵۵
- داستان بیست و چهارم: ژل مو ۵۷
- داستان بیست و پنجم: سالاد ۵۹
- داستان بیست و ششم: پیامک ۶۱
- داستان بیست و هفتم: فوتبالی ۶۳
- داستان بیست و هشتم: بزرگ‌ترین دنیای ۶۵
- داستان بیست و نهم: توپ کوچک ۶۷
- داستان سی‌ام: مرگ بر صدام ۶۹
- معرفی کوچولوهای کتاب ۷۱

مقدمه

به نام خدا

من متولد مرداد ۱۳۵۴ - ششدهستم. همیشه علاقه وافری به نوشتن داشتم. تا اینکه اولین بار در ۱۲ سالگی نه تنها خاطراتی را که برادران دوقلویم رقم می‌دند را شروع کردم.

این کار کم‌کم ادامه یافت تا یاد گرفتم تمام احساسات، خوشحالی، غم، عشق و... را بویسم.

در سال ۱۳۷۶ مادر شدم و مثل خیلی از مادرها تمام لحظات زندگی فرزندم را با عکس و فیلم و نوشته ثبت کردم و این کار در اندازه وسیع تر ادامه پیدا کرد چون در سال ۱۳۸۳ دوباره مادر شدم و لحظات تلخ و شیرین قد کشیدنشان را

نوشتیم؛ لحظاتی تکرارنشدنی که به اندازه کافی قدرش را نمی‌دانیم چون منتظر فردا هستیم که بزرگ و بزرگ‌تر شوند.

حالا فرزندانم بزرگ شده‌اند، هنوز هم با مرور خاطرات آنها لذت می‌برم و یاد می‌گیرم.

به نظر من خودکام خاطراتی را رقم می‌زنند که لذت‌بخش و شادی آفرینند و مارا به صداقت و سادگی راهنمایی می‌کنند تا آدم بزرگ‌های بهتری باشیم.

صفحات پیش‌روی شما چیزی از خاطرات خودم و البته چند خاطره از اطرافیانم است که به شکل داستان‌های کوتاه نوشته‌ام، امیدوارم دوست داشته باشید.